**ارتش جمهوری اسلامی ایران**‌،ارتش در اصطلاح لغوي، به مجموع نظامیان يك كشور و در ایران به مجموعه فرماندهي، ستاد مشترك، نيروهاي تابعه (زميني، هوايي، دريايي، پدافند هوایی) و سازمان‌های وابسته به آن اطلاق مي‌شود. از منظر تاکتیکی، ارتش به واحدهايي از نيروي زميني گفته می‌شود كه در مأموریت‌های استراتژيكي با اتخاذ تاكتيك‌هاي گوناگون و با اجراي رزمایش‌هاي مناسب به همراه واحدهايي از نيروهاي هوايي و دريايي، به انجام مأموریتی خاص مي‌پردازند. ارتش در كشور، متضمن امنيت ملي و منافع ملي است و بدون آن، اين دو مهم هرگز محقق نمی‌شود (رستمي، 1386 :69 ). ايران به‌عنوان كشوري با تاريخي كهن، همواره داراي ارتش منظم بوده و ايجاد ارتشي منظم به سبك و سیاق ارتش‌های امروزي، در دوران حكومت صفويان در ايران شكل گرفت؛ ليكن با پايان دوران صفوي و حمله افغان‌ها به ايران و بی‌لیاقتی شاه سلطان حسين صفوي، اصفهان به تصرف محمود افغان درآمد و ارتش ايران نتوانست اقدام مؤثري در مقابله با آن انجام دهد. سال‌ها بعد با اوج‌گرفتن آوازه نادرقلي افشار و ارتش او، افغان‌ها شكست خوردند و عثمانی‌ها و روس‌ها نیز اراضي اشغالي را از ترس تخليه کرده و به سرزمین‌های خود برگشتند. نادرشاه افشار با ارتش خود، نبرد تاريخي كرنال را با پيروزي انجام داد و دروازه‌ی هند را گشود؛ ليكن اين ارتش نیز با قتل او متفرق شد. کریم‌خان زند مدتی بعد از او، توانست قسمت اعظم سرزمين ايران در عهد نادري را پاس دارد؛ ليكن با مرگ او نيز قسمتي ديگر به دست بيگانگان افتاد و ارتش زنديه درگير مطامع جانشينان کریم‌خان شد (استرآبادی سده، 12: 52). با روی كار آمدن آغا محمدخان قاجار، ارتش نيرومندی تشكيل شد كه مقاصد خان قاجار را دنبال كند؛ ولي بازهم با قتل وی در دروازه تفليس، ارتش او همچون برف آب شد و حركات اصلاح‌طلبانه عباس‌ميرزا پسر فتح علي‌شاه به حال ارتش سودي نبخشيد. شکست‌های پی‌درپی علی‌رغم عزیمت مستشاران نظامي سوئدي، انگليسي، اتريشي، روسي و آمریکایی به ایران، حاصل بی‌کفایتی شاهان قاجار بود و پايان حكومت آن‌ها، نتوانست ملت ايران را به داشتن ارتش مقتدر و فداكار اميدوار سازد. با كودتاي 30 اسفند 1299 و پايان عمر سلسله قاجار، رضاشاه كه از افسران قزاق بود؛ برحسب نياز، اقدام به تشكيل قشون متحدالشكل كرد و با همسان‌سازی یگان‌های نظامي، زمينه ايجاد ارتش نوين را در كشور ما به وجود آورد (پناهي، 1391: 69). نیروهای متفقین در خلال جنگ دوم جهانی و در روز بيست‌ونهم آگوست 1941 (شهريور 1320)، وارد خاک ایران شدند و ارتش ايران پس از مقاومت کوتاهی مضمحل شد. مقاومت‎های انجام‌گرفته عموماً به‌صورت خودجوش و ناشی از تعلق‌خاطر مذهبی و ملی، توسط افسران و سربازان ایرانی انجام شد. حاکمیت مرکزی، اعلام بی‌طرفی کرده بود و این مقاومت‌ها را نمی‌توان به برنامه‌ریزی حکومت مرکزی برای نبرد در برابر متجاوزان دانست. پدافند هوایی در تبریز، یک فروند هواپیمای متجاوز روسی را سرنگون کرد. صدها تن از کارکنان دریادل نیروی دریایی به فرماندهی شهید دریابان غلام‌علی بایندر، در برابر متجاوزان انگلیسی در جنوب و متجاوزان روسی در شمال به شهادت رسیدند. کارکنان نیروی زمینی و ژاندارمری نیز مقاومت‌های سرافرازانه‌ای داشتند (جهان‌فر، 1397). اگرچه گفته‌شده است که تاریخ تشکیل ارتش نوین ایران، به دوران پهلوی اول برمی‌گردد؛ اما گسترش دامنه جنگ جهانی دوم به ایران و اشغال آن ازسوی متفقین و انحلال ارتش، گویای آن است که نیروی مسلحی که در دوران رضاشاه تشکیل‌شده بود، فاقد قابلیت مقابله با تهدید خارجی بود. اولین لشکر زرهی ارتش ایران در سال 1343 و در عصر پهلوی دوم، در منطقه خوزستان و در نزدیکی مرز با عراق با تجهیز به تانک‌های ام 60 تشکیل شد که در آن زمان، از جدیدترین تانک‌ها به شمار می‌رفت. با افزایش جهانی قیمت نفت از 1340 به بعد‌، قسمت عمده‌ای از تجهیزات نظامی ازجمله 400 دستگاه تانک ام 60 از آمریکا دریافت شد و مسابقه تسلیحاتی ایران و عراق توسط آمریکا و شوروی ادامه یافت (حسینی، 1378: 87‌- 88). با افزایش بودجه دفاعی و خرید تسلیحات نظامی مدرن از اواسط دهه 1350‌، برنامه‌ریزی و تجهیز و تقویت ارتش ایران به‌منظور اهداف بزرگ‌تری انجام گرفت. مسئله مرزی و خطرات احتمالی عراق، مطلب کم‌اهمیتی جلوه نمی‌کرد و لذا ارتش ایران از قدرت دفاعی قابل‌توجهی برخوردار شد (موسوی قوی‌دل، 1393: 101). استعداد ارتش ایران در سال‌های پاياني حكومت پهلوي، به 000/540 نفر رسید. نیروی زمینی با بیش از هزار فروند بالگرد شامل 380 فروند بالگرد کبرا و حدود 2000 دستگاه تانک، از یک قدرت بازدارندگی بلامنازع برخوردار بود. یگان‌های رزمي و عملیاتی نيروي زميني آن عبارت بود از: هشت لشکر و چهار تيپ مستقل شامل لشکر 16 زرهي قزوين، لشکر پیاده گارد، لشکر گارد جاويدان، لشکر 28 پياده سنندج، لشکر 81 زرهي كرمانشاه، لشکر 92 زرهي اهواز، لشکر 64 پیاده ارومیه، لشکر 77 پياده خراسان، تيپ 84 پیاده لرستان، تيپ 88 زرهي زاهدان، تيپ 55 هوابرد شیراز و تيپ 23 نيروهاي ویژه هوابرد (نوهد). نیروی دریایی با برخورداری از دوازده فروند ناوچه موشک‌انداز ساخت فرانسه و مجهز به موشک‌های ضد شناور ساخت آمریکا (هارپون) و تعدادی رزم‌ناو، از حاکمیت دریایی بلامنازعی برخوردار بود. نیروی هوایی با بیش از 450 فروند جت جنگنده شامل 78 فروند اف 14 مجهز به موشک‌های فونیکس، یکی از قدرتمندترین نیروهای هوایی منطقه را تشکیل می‌داد (سامرائی، 1391: 49 و 50). ارتش با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در کانون توجه عموم سازمان‌های مسئول، احزاب و گروه‌های سیاسی اعم از چپ و راست قرار گرفت و هریک نظراتی از بازسازی، پاک‌سازی تا انحلال آن می‌دادند. ازسوی دیگر ارتش با چالش‌هایی نظیر تقلیل خدمت کارکنان وظیفه از دو سال به یک سال، انتقال کارکنان پایور به یگان‌های موردنظرشان و پاک‌سازی‌های مرحله‌ای در درون خود روبه‌رو بود. علاوه بر آن برخی مسائل در داخل ارتش نظیر بی‌انضباطی و هرج‌ومرج، تزلزل و آشفتگی در یگان‌ها، تشکیل شورای فرماندهی با حضور نمایندگان اقشار مختلف و تعیین فرماندهان توسط این شورا، در بسیاری موارد کاهش کارایی و آمادگی رزمی یگان‌ها و سازمان‌های تابعه ارتش را به دنبال داشت. چنین وقایعی تا روزهای آغازین جنگ تحمیلی و در برخی موارد تا مدت‌ها پس ‌از آن ادامه داشت. حضرت امام خمینی (ره) با درک نیات دشمنان انقلاب در شانزدهم دی 1358 در جمع نمایندگان درجه‌داران ضمن تأکید بر لزوم تصفیه غیر خودسرانه، از حاضرین خواست برای رضای خدا، ارتش را نگه داشته و از هرج‌ومرج جلوگیری کنند. درهمین راستا امام راحل به‌منظور خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان اسلام در تاریخ 26 فروردین‌ 1358، روز 29 فروردین‌ را به نام «روز ارتش» نام‌گذاری و پیام مهمی به مردم ایران صادر فرمود: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ملت شریف و مبارز ایران، وفقهم‌الله تعالی. با اهدای سلام و سپاس از مجاهدات خستگی‌ناپذیر شما ملت شجاع که اهداف مقدس اسلام را تا آستانه‌ پیروزی رساندید و دست خیانت‌گران داخلی و خارجی را با خواست خدای بزرگ قطع گردید، لازم است به تذکرات زیر توجه فرمائید: ۱- روز چهارشنبه 29 فروردین، روز ارتش اعلام می‌شود. ارتش محترم در این روز در شهرستان‌های بزرگ با سازوبرگ به رژه بپردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران، حضور خود را برای فداکاری درراه استقلال و حفظ مرزهای کشور اعلام نمایند.2- ملت ایران موظف‌اند از ارتش اسلامی استقبال کنند و احترام برادرانه از آنان نمایند. اکنون ارتش در خدمت ملت و اسلام است و ارتش اسلامی است و ملت شریف لازم است آن را به این سمت رسماً بشناسد و پشتیبانی خود را از آن اعلام نمایند. اکنون مخالفت با ارتش اسلامی که حافظ استقلال و نگهبان مرزهای آن است، جایز نیست. ما و شما و ارتش، برادرانه باید برای حفظ امنیت کشورمان کوشش کنیم و به شرارت اشرار و اختلال مفسدین خاتمه دهیم.3- افراد ارتش موظف‌اند در داخل ارتش، حفظ و نظم و سلسله‌مراتب و ضوابط را بکنند. توجه‌ننمودن به این مسئله، موجب ضعف ارتش اسلامی می‌شود و نظام از هم می‌پاشد. سربازان و درجه‌داران و افسران موظف‌اند سلسله‌مراتب را حفظ و مراعات کنند. چنانچه رؤسای فوق موظف‌اند با ارتش به‌طور محبت و برادری رفتار نمایند و از دیکتاتوری که در رژیم طاغوت بود، اجتناب نمایند. ارتش اسلامی باید با حفظ سلسله‌مراتب و نظام صحیح اسلامی و اطاعت کامل زیردست اداره شود. تخلف از این امر، ضدانقلاب است و مورد مؤاخذه خواهند بود 4- افراد خارج از ارتش، حق ندارند در امر ارتش دخالت کنند و ارتشی را در داخل ارتش یا خارج ارتش بدون مجوز دستگیر کنند. اگر شکایتی دارند یا اطلاع از مجرمت کسی دارند، روی موازین شرعی و قانونی رسیدگی خواهد شد و دخالت بی‌جا در داخل ارتش، موجب ضعف آنان می‌شود و مخالف انقلاب اسلامی است. 5- این قشر از ارتش که در خدمت اسلام هستند و وفاداری را از جمهوری اسلامی اعلام نمودند، اگر خدای‌نخواسته در رژیم طاغوتی خلاف و گناه صغیره کرده‌اند، با برگشت به‌سوی خدای تعالی و جمهوری اسلامی، مورد عفو خداوند رحمان و عفو ملت شریفند و این‌جانب نیز آنان را عفو کردم. امید است آنان با دلگرمی و اعتماد به خدا و ملت شریف، به خدمت خود صادقانه ادامه دهند و باقدرت در پادگان‌های خود مستقر شوند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و هدایت جوانان فریب‌خورده را که می‌خواهند در صفوف مسلمان‌ها تفرقه بیندازند، خواستارم و هوشیاری ملت را در مقابل توطئه‌های غیر اسلامی امیدوار. والسلام علیکم و رحمت‌الله. روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی» (صحیفه‌ امام، 1379، ج 7: 21- 20). صدور این پیام مهم ازسوی امام خمینی (ره)، موجب رفع سوءتفاهم‌های بسیار نسبت به ارتش شد و ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با هوشیاری کامل، به رهنمودها و دستورات امام خمینی (ره) لبیک گفت. هوشیاری رهبری انقلاب و تلاش برخی کارکنان مؤمن و متعهد ارتش در ماه‌های اول انقلاب، مانع از انحلال آن شد. شروع شورش‌ها در برخی از مناطق کشور با تحریکات عوامل داخلی و خارجی دشمنان انقلاب در این شرایط دشوار‌، ارتش را وادار به واکنش کرد و تعداد دیگری از یگان‌ها، به‌تدریج عازم مأموریت آرام‌سازی مناطق بحران‌زده شدند. به دنبال آن نیز جنگ بر ایران تحمیل شد، جنگی که تبدیل به طولانی‌ترین جنگ تاریخ معاصر شد. نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با همکاری و مشارکت سایر نیروهای انقلابی، به‌طور مداوم با تحرکات گروهک‌های ضدانقلاب در کردستان مقابله و در طول جنگ تحمیلی، تلاش بسیار و ایثارگری کردند و در انجام مأموریت‌هایی که ازسوی فرماندهی معظم کل قوا محول می‌شد، نهایت ایثار و گذشت و مقاومت خود را به نمایش گذاشتند (اسناد سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران). یادآوری این نکته ضروری است که مسئله کردستان در دهه اول بعد از انقلاب، در رأس تمام مشکلات داخلی ایران قرار داشت و در جنگ تحمیلی نیز قسمتی از قدرت رزمی نیروهای مسلح ما را به خود مشغول داشت. جهت مقابله با این تهدیدات و آرام‌ساختن اغتشاشات استان‌های مرزی؛ لشکرهای 64 پیاده ارومیه و 28 پیاده سنندج، تیپ 55 هوابرد شیراز، دو تیپ از لشکر 16 زرهی قزوین، تیپ 30 پیاده گرگان، دو گردان از لشکر 21 پیاده حمزه (ع)، دو گردان از لشکر 77 پیاده خراسان و تیپ 23 نوهد همه در کردستان می‌جنگیدند. به لحاظ اشغال افغانستان توسط روس‌ها و پیشروی روزانه چهار لشکر زرهی شوروی در خاک آن کشور، مسئولان کشور صلاح ندانستند که لشکر 77 پیاده خراسان را در شرق کشور جابه‌جا کنند. لشکر 88 زرهی زاهدان نیز به دلیل درگیری‌های سیستان و بلوچستان، در همان استان استقراریافته بود و جابه‌جا نشد. لشکر 92 زرهی خوزستان نیز آلوده کودتای انجام‌نشده نقاب شده و تعدادی از فرماندهان آن، دستگیر و اعدام‌شده بودند. حدود یک‌سوم یگان‌های لشکر 81 زرهی کرمانشاه هم به مقابله با ضدانقلاب می‌پرداختند. بنابراین دشمن با ایجاد جنگ داخلی و درگیرکردن ارتش و سپاه‌ در درگیری‌های منطقه‌ای؛ فرصت بازسازی، انسجام و تکامل را از نیروهای مسلح گرفته بود (جوادی‌پور و دیگران، 1372: 76). استکبار جهانی پس از ناامیدی از آشوب‌های برپاشده توسط ایادی خود در داخل کشور، رژیم بعث عراق را که انگیزه کافی برای رویارویی با جمهوری اسلامی ایران داشت، تحریک و ترغیب کرد که به ایران اسلامی حمله کند. ارتش عراق تک سراسری خود را در13:00 روز 31 شهریور 1359 به ایران اسلامی آغاز کرد. ابتدا توپخانه عراق، تأسیسات گارد ساحلی ایران را در کرانه اروندرود گلوله‌باران کرد و حملات هوایی همه‌جانبه عراق به شهرهای ایران ازجمله تهران، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، خرمشهر، دزفول، همدان و ... شروع شد و بدین‌سان جنگ اعلام‌نشده عراق علیه ایران، به‌طور رسمی از13:30 روز 31 شهریور1359 آغاز شد (معین‌وزیری، 1385: 50). در چنین شرایطی، بی‌تردید همه نگاه‌ها در درجه اول، متوجه ارتش جمهوری اسلامی ایران بود تا پاسخ مناسبی را به متجاوزان عراقی بدهد. نیروی هوایی ارتش در اولین واکنش خود، با اجرای طرح‌های از قبل پیش‌بینی‌شده، چهار فروند هواپیمای جنگنده اف 4 را در16:00 همان روز، به داخل خاک عراق اعزام و پایگاه‌های کوت و شعیبیه را بمباران کرد. پاسخ بعدی و ویرانگر نیروی هوایی که برگرفته از طرح پدافندی البرز آن نیرو بود، صبح 1 مهر 1359 با عنوان عملیات کمان 99 به مورداجرا گذاشته شد و طی آن، دویست فروند هواپیمای جنگنده- بمب‌افکن به پرواز درآمدند و با عبور 140 فروند آن‌ها از مرز، تمامی پاسگاه‌های نیروی هوایی عراق (غیر از پایگاه الولید) هدف قرار گرفت. لازم به ذکر است که نيروي هوايي ارتش جمهوری اسلامی ایران، ‎به فرماندهی سرهنگ خلبان جواد فكوري، در 27‌/4/1359 مبادرت به تهیه و انتشار «دستور رزمی البرز» در 99 صفحه کرده بود. عملیات کمان 99 بر پایه این دستور، طرح‌ریزی و اجرا شد و عدد ۹۹ نیز از شمار صفحات طرح عملیاتی البرز گرفته‌شده بود. این طرح، مبنای بسیاری از عملیات‌های پدافند هوایی و آفندی نیروی هوایی ارتش در 1359 شد و بر همین اساس، عملیات خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش استمرار یافت و در کلیه صحنه‌های نبرد، مانع بزرگی بر سر راه پیشروی دشمن بعثی شد. در منطقه عملیاتی خرمشهر نیز عملیات آن‌ها علیه واحدهای زمینی عراق انجام گرفت. ازجمله جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش در روز اول مهر 1359، واحدهای زمینی دشمن را در محور شلمچه بمباران و حرکت آنان را با کُندی مواجه کردند (معاونت عملیات نیروی هوایی ارتش، دستور رزمی البرز نیروی هوایی ارتش، تیر 1359). ارتش بعث عراق برروی زمین، سه جبهه را در مرز دو کشور باز کرد. سپاه یکم عراق در جبهه شمالی، سپاه دوم در جبهه میانی و سپاه سوم در جبهه جنوبی، تهاجم خود را به ایران آغاز کردند. سپاه یکم در منطقه کوهستانی شمال غرب ایران با لشکر 7 پیاده کوهستانی و شش تیپ پیاده مستقل و تعدادی گروهان کماندویی و نیروهای جیش‌الشعبی؛ سپاه دوم با لشکرهای 6 و 12 زرهی و لشکرهای 2‌، 4 و 8 پیاده کوهستانی و ده تیپ مستقل و 54 گروهان کماندویی در جبهه غرب از قصرشیرین تا مهران باهدف تصرف ارتفاعات مهمی چون پاطاق، قلاجه، بازی‌دراز و ... به پیشروی پرداخت و همچنین مأموریت دوم آن، جلوگیری از نفوذ نیروهای ایرانی به‌سمت بغداد به‌عنوان هدف راهبردی بود. سپاه سوم که از قدرتمندترین یگان‌های نیروی زمینی عراق بو؛د با لشکرهای 3، 9 و 10 زرهی و لشکرهای 1 و 5 پیاده- مکانیزه تیپ 10 زرهی، تیپ زرهی ابن ولید، تیپ 27 پیاده، تیپ 113 مرزی و تیپ 23 کماندو؛ دفاع از پایتخت عراق و تصرف بخش‌هایی از استان خوزستان به‌عنوان هدف راهبردی را بر عهده داشت (مصاحبه با ذاکری، ۱۳۹۱). بی‌تردید تهیه طرح‌های پدافندی اولیه برای مقابله با تهدید ارتش عراق و اجرای نسبی این طرح‌ها با توجه به امکانات موجود ارتش ایران، یک اقدام بسیار برجسته و بی‌نظیر در مقابله با تهاجم ارتش عراق بود. یگان‌های کاملاً مجهز و آماده عراق در برخورد با مقاومت شجاعانه نیروهای پدافندی ارتش و سایر نیروهای مسلح نوپای ایران که برگرفته از طرح‌های پدافندی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود، مجبور به توقف و اتخاذ پدافند در زمین‌های نامناسب شدند و به‌جز در منطقه خرمشهر و محاصره آبادان، عملاً موفق به تأمین هیچ‌یک از اهداف عملیات تهاجمی خود که همانا اشغال اهواز و جداسازی خوزستان از خاک ایران بود، نشدند. نیروهای ایران درگام بعدی با اجرای عمیات‌های آفندی موفقیت‌آمیز، این فرصت را یافتند تا با استفاده از زمان کسب‌شده، نسبت به بازسازی و تحکیم خطوط پدافندی خود بپردازند و با اجرای عمیات‌های آفندی موفق خود، توانستند نیروهای ارتش عراق را تا مرزهای بین‌المللی به عقب برانند (تهامی، دافوس آجا: 1392). ارتش ایران برای برقراری کنترل، اداره، هدایت جنگ تا سرکوب متجاوز و پیروزی نهایی؛ راهبرد عملیاتی خود را براساس طرح ابوذر که شامل سه مرحله کلی بود، انتخاب و با صدور دستورهای جزءبه‌جزء اقدام به اجرای آن کرد: مرحله یکم: متوقف‌کردن هرچه سریع‌تر پیشروی دشمن در همه محورها با استفاده از موانع طبیعی. این مرحله، حدود هفت تا ده روز اولیه جنگ، انجام شد و دشمن را وادار به اتخاذ حالت پدافندی کرد و بر همین اساس در پایان روز ششم جنگ، صدام حسین با اظهار اینکه ارتش عراق به اهداف نظامی خود دست‌یافته است، آمادگی آن کشور را برای ترک مخاصمه، مشروط به پذیرش شرایط عراق ازسوی ایران اعلام کرد. این در حالی بود که صدام حسین در مرداد 1359 در طایف عربستان گفته بود: «حمله به ایران برای ارتش قهرمان عراق، بیش از یک تفریح نیست!» سرلشکر وفیق ‌السامرائی در رابطه با اهداف تجاوز نظامی رژیم بعث عراق علیه ایران، در کتاب ویرانی‌های دروازه شرق می‌گوید: «اهداف نظامی عراق در جنوب، اشغال شهر دزفول، استان اهواز (خوزستان) و همچنین کرانه‌های شرقی شط‌العرب (اروندرود) ازجمله شهرهای خرمشهر و آبادان و سپس ادامه پیشروی به‌سمت ماهشهر و بستن بندر شاهپور (بندر امام) و تسلط بر آن بود. در این صورت اگر حکومت ایران ساقط و این کشور تجزیه نمی‌شد‌، به تحمیل اراده عراق بر ایران منجر می‌شد.» (السامرائی، 1391: 72،73). اظهارات صدام حسین و همچنین اذعان رئیس میز ایران در استخبارات ارتش عراق با توجه به اینکه در طول شش روز اول جنگ، ارتش عراق حتی موفق به تأمین هیچ‌یک از اهداف باارزش تاکتیکی خود نشده و کماکان در پشت دروازه‌های خرمشهر و سوسنگرد و دامنه‌های تپه‌های الله ‌اکبر، ارتفاعات قبل از سرپل ذهاب، گیلان غرب و ... درجا می‌زد؛ نشان می‌داد که حکومت عراق از همان روز ششم مهر 1359 یعنی پایان هفته اول جنگ، از کسب پیروزی ناامید شده بود و بغداد در روز دوم مهر 1359، به مدت 48 ساعت، آتش‌بس یک‌طرفه اعلام کرد. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز به‌منظور مقابله با دشمن بعثی و ایجاد وحدت فرماندهی در کلیه عملیات‌های آفندی و پدافندی در خلیج ‌فارس، دست به تشکیل قرارگاه مقدم خود با نام «نیروی رزمی 421» به فرماندهی ناخدایکم مصطفی مدنی‌نژاد (جانشین وقت فرماندهی نیروی دریایی ارتش)در بوشهر زد (جعفری جبلی و منصوری، 1389: 351). نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، با توجه به مأموريت ذاتي خود و با تهيه طرح کلي پدافندي در دريا با نام «ذوالفقار»، به‌صورت مستمر در طول هشت سال جنگ تحميلي‌، عمليات‌های متعددي را در دريا به اجرا درآورد كه در این رابطه می‏توان به محاصره دريايي كامل دشمن، باز نگه‌داشتن خطوط مواصلات دريايي خودي، بازرسي و تفتيش كشتي‌هاي مشكوك، گشت‌هاي دريايي در راستاي پدافند از جزاير، سواحل و سكوهاي نفتي، اسكورت كاروان كشتي‌هاي تجاري و نفت‌كش، تجسس و نجات و ... اشاره کرد. همچنين نیروی دریایی ارتش در دوران دفاع مقدس، توانست ضربات کوبنده و مهلکی را با اجرای عمليات‌هاي برق‌آسا و غافل‌گيرانه اشكان، شهيد صفري، مرواريد و ... بر پیکره نیروی دریایی و رژیم متجاوز عراق وارد و تاپایان جنگ، سیادت دریایی ایران در خلیج فارس را حفظ کند. نيروي دريايي ارتش جمهوري اسلامي ايران علاوه بر به‌كارگيري يگان‌هاي عملیاتی مختلف خود در پهنه دريا، در عمليات متعددي در خشكي نیز شركت داشت که ازجمله می‌توان به مشارکت نیروی دریایی در حماسه مقاومت 34‌روزه در خرمشهر، دفاع از جزیره آبادن، مشارکت در عملیات‌های ثامن‌الائمه، بیت‌المقدس، بدر، خیبر و والفجر 8 اشاره کرد (اسناد و مدارک، مرکز اسناد دفاع مقدس نیروی دریایی ارتش‌). در صحنه زمینی نیز با توجه به تمرکز عمده نیروهای دشمن در منطقه جنوب و تلاش اصلی آن برای اشغال خرمشهر و آبادان و برای ساماندهی و انسجام نیروهای عمل‌کننده خودی در این منطقه، قرارگاهی تحت عنوان «فرماندهی اروند» در بیست‌و‌هفتم مهرماه 1359 شکل گرفت و در رأس آن، فرمانده ژاندارمری، سرهنگ پیاده ستاد حسن‌علی فروزان یکی از افسران شایسته نیروی زمینی، به‌عنوان فرماندهی قرارگاه اروند منصوب شد و نیروی زمینی نیز بنابه درخواست این فرماندهی، نیروهای لازم را در حد توان و تقدم اعزام می‌کرد. در رابطه با انسجام هرچه بیشتر نیروهای اعزامی تحت عنوان نیروهای سپاه و مردمی نیز در 29/7/1359 برادر رحیم صفوی که به‌عنوان یک رزمنده جهادگر در دارخوین مستقر بود، ازسوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که در آن زمان نماینده حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع بود، به فرماندهی اروند معرفی شد تا با دریافت کمک و رفع نیازمندی، به هنگام لزوم در عملیات از وجودشان استفاده شود (سروری و جاودانی،1390: 54- 56). نیروی هوایی ارتش نیز علاوه بر اهداف راهبردی در عمق خاک دشمن، پشتیبانی از نیروهای سطحی (زمینی و دریایی) را بر عهده گرفت و یگان‌های پدافند هوایی آن نیز با گسترش در کشور، مقابله با تهاجم هوایی دشمن را بر عهده داشتند و به‌این‌ترتیب تا حدودی از تلاش‌های پراکنده و کم‌اثر و همچنین از دست‌رفتن امکانات و نیروها جلوگیری شد. همچنین علاوه بر تقویت منطقه اروند با تمام امکانات در دسترس ژاندارمری، تا اول آبان 1359 از عناصر نیروی زمینی ارتش نیز استعدادی درحدود یک تیپ تقویت‌شده با یک گروهان تانک و یک گردان توپخانه، در مقابل خط سرپل دشمن در شرق کارون در اختیار فرماندهی اروند قرار گرفت (سروری و جاودانی،1390: 55- 56). حاکمیت عراق که در برآورد توان رزمی ارتش دو کشور، حداکثر توان مقاومت ایران را یک هفته تخمین و آنگاه دست به تجاوز زد؛ با مقاومت شدیدی مواجه شد که انتظار آن را نداشت. و نیروهای ایرانی در مقابل نیروهای دشمن بعثی، بعد از چهار هفته در بعضی از مناطق، کم‌تر از چهل کیلومتر عقب‌نشینی داشتند (جوادی‌پور، 1383: 76،77). مرحله دوم طرح ابوذر پدافند در مقابل دشمن، بازسازی نیروهای خودی و تشکیل یکان‌های جدید و برای کسب آمادگی حمله متقابل: در این مرحله عملیات‌های شناسایی بارزم جهت کسب اطلاعات بیشتر و همچنین انجام عملیات آفندی محدود، علیه مواضع دشمن در دستور کار قرار گرفت و ارتش در این مرحله که تقریباً یک ماه پس از شروع جنگ آغاز شد، با هدف بازسازی و کسب آمادگی لازم برای حمله متقابل در مقابل نیروهای عراقی، به وضعیت پدافندی درآمد. در این زمان نیروهای ارتش به‌ویژه نیروی زمینی، به‌سرعت به بازسازی نیروی انسانی و تجهیزات خود اقدام کرد. لغو خدمت یک‌ساله کارکنان وظیفه و احضار نیروهای ذخیره سال 1356 در حدود 000/135 نفر، تغییر در انتصابات، بهبود سامانه فرماندهی، احضار نیروهای متخصص رهاشده از خدمت و برقراری انضباط ازجمله این اقدامات بود و امام راحل هم بی‌دریغ ارتش را حمایت می‌کردند. این مرحله تا اوایل 1360 طول کشید. ارتش علاوه بر تلاش در بازسازی و افزایش توان و آمادگی رزمی خود، طی دستورالعملی به قرارگاه‌های عملیاتی شمال غرب، غرب و جنوب غرب فرمان داد متناسب با توانایی‌های موجود خود، در هر فرصت مناسب با بهره‌گیری از عناصر سپاه و بسیج، به خطوط و مواضع پدافندی دشمن تک محدود نمایند. ارتش در این مرحله، پیشروی دشمن را متوقف و نیروهای آن را زمین‌گیر کرد. نیروی زمینی ارتش با وجود مأموریت پدافند سراسری در خط تماس با دشمن، 25 عملیات شناسایی بارزم و عملیات محدود آفندی را با همکاری نیروهای سپاه و بسیج در رده‌های گروهان، گردان و تیپ علیه مواضع مقدم پدافندی دشمن به اجرا درآورد که از میان آن‌ها، می‌توان به، عملیلات آفندی پای پل کرخه به‌وسیلۀ لشکر 21 پیاده حمزه (ع) در 23 مهر 1359، اجرای دو عملیات آفندی و پدافندی به‌وسیلۀ گردان 144 پیاده لشکر 21 پیاده حمزه (ع) و گردان 153 لشکر 77 پیاده خراسان و گردان ژاندارمری و نیروهای تیپ 37 زرهی شیراز در منطقه شمال آبادان و تیپ 1 پیاده از لشکر 21 پیاده حمزه (ع) در پای پل کرخه در 8 و 9 آبان 1359، عملیات آفندی آزادسازی سوسنگرد تیپ 2 زرهی دزفول، تیپ 3 زرهی دشت آزادگان لشکر 92 زرهی اهواز و گردان 148 پیاده از لشکر 77 پیاده خراسان گردان ژاندارمری و نیروهای بسیجی و سپاهی و نیروهای دکتر چمران در 26/8/1359، عملیات آفندی عاشورا به‌وسیلۀ لشکر 81 زرهی کرمانشاه و گردان 163 پیاده لشکر 77 پیاده خراسان و نیروهای بسیجی مردمی در 28/8/1359، عملیات آفندی کلینه و سیدصادق (1) در شمال سرپل ذهاب تیپ 3 زرهی ابوذر و نیروهای بسیجی مردمی در 28/9/1359 در سرپل ذهاب، آفند محدود تنگه حاجیان توسط تیپ 3 لشکر 81 زرهی کرمانشاه در 14/10/1359 در گیلان غرب، تک محدود کلینه و سیدصادق تیپ 3 در 15/12/1359 در سرپل ذهاب، تک محدود بازی‌دراز 1 در 2/2/1360 و بازی‌دراز 2 در 12/6/1360 در سرپل ذهاب، تک محدود خوارزم (ضربت ذوالفقار) تیپ 1 لشکر 81 زرهی کرمانشاه در میمک در 29/10/1359 که منجر به بازپس‌گیری ارتفاعات میمک شد، عملیات نصر تک محدود لشکر 16 زرهی در کرخه‌کور در 15/10/1359، آفند محدود تیپ 2 لشکر 21 پیاده حمزه (ع) در غرب کرخه در 25/1/1360، عملیات آفندی الله اکبر (خیبر) به‌وسیلۀ نیروهای لشکر 92 زرهی خوزستان، لشکر 16 زرهی قزوین و تیپ 55 هوابرد شیراز در منطقه الله ‌اکبر در 31/2/1360، تک محدود عملیات فرمانده کل قوا- خمینی روح خدا توسط گردان 214 سوارزرهی از لشکر 77 پیاده خراسان و سپاه پاسداران در 21/3/1360، عملیات آفندی جاده ماهشهر- آبادان، تیپ 37 زرهی شیراز و گردان 144 لشکر 21 پیاده حمزه (ع) علیه مواضع دشمن در شمال آبادان در 31/3/1360، عملیات آفندی طراح به‌وسیله تیپ‌های 1 زرهی قزوین و 3 زرهی همدان و تیپ 55 هوابرد شیراز، نیروهای سپاه پاسدارن و دکتر مصطفی چمران در منطقه کرخه‌کور در 5/5/1360و عملیات آفندی شهید مدنی لشکر 16زرهی قزوین و تیپ 55 هوابرد شیراز و گردان ژاندارمری در منطقه جنوب در 27/6/1360 اشاره کرد که منجر به وارد‌آمدن تلفات و خسارات زیاد به دشمن و آزادی بخشی از مناطق اشغالی و بهبود مواضع پدافندی خودی شد. اگرچه برخی از این عملیات‌ها به نتیجه مورد نظر نرسید؛ ولی در ارتقای روحیه نیروهای خودی و تضعیف نیروهای ارتش عراق تأثیرگذار بود. همچنین نیروی دریایی ارتش ایران در این مرحله‌، خسارات عمده‌ای به نیروی دریایی دشمن وارد آورد و علاوه بر انهدام اسکله‌های البکر و الامیه و درهم‌شکستن عمده توان دریایی دشمن در هفتم آذر 1359، سیادت دریایی ایران را در شمال خلیج فارس برقرار کرد. نیروی هوایی ارتش ایران هم ضمن پاسداری از آسمان کشور و پشتیبانی از نیروهای سطحی؛ با انجام عملیات‌های برون‌مرزی، اهداف تعیین‌شده را در داخل خاک عراق مورد هجوم هوایی خود قرار می‌داد و کاروان‌های نفتی را در خلیج‌ فارس با جنگنده‌های اف 14 پشتیبانی می‌کرد. پدافند هوایی ضمن حفاظت از فضای کشور و تأسیسات، مناطق عملیاتی را هم پوشش می‌داد (جوادی‌پور، 1383: 76،77). مرحله سوم که آفندهای بزرگ علیه نیروهای متجاوز و آزادسازی مناطق اشغالی در سطح وسیع بود، از ابتدای سال دوم با اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع) و شکست حصر آبادان در 5/7/1360 آغاز شد. طراحی عملیات‌های بزرگ برای بیرون‌راندن دشمن متجاوز، از سال دوم جنگ، در دستور کار نیروهای مسلح ایران قرار گرفت و ارتش به‌تدریج به رها‌کردن یگان‌ها از سایر مناطق و تقویت یگان‌های مستقر در غرب و جنوب غرب پرداخت و سپاه نیز هم‌زمان به ساماندهی و گسترش نیروهای خود مبادرت ورزید و تا حدودی توانست نیروهای مردمی را به‌خصوص در جبهه جنوب ساماندهی کند (لطف‌الله‌زادگان‌، 1381: 100). اولین عملیات گسترده ایران، به نام عملیات ثامن‌الائمه (ع) طراحی شد. این عملیات که با شرکت یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران، ژاندارمری، سپاه پاسداران‌، نیروهای مردمی و جهاد سازندگی اجرا شد؛ بر یک طراحی دقیق و حساب‌‌شده برگرفته از اصول جنگ انجام گرفت و به علت نتیجه درخشان و موفقیت‌آمیز آن، میل تهاجمی و شوق آزادسازی مناطق اشغالی در رزمندگان ایران بیش‌از‌بیش تقویت شد. عملیات ثامن‌الائمه (ع) با شکستن محاصره یازده‌ماهه آبادان، علاوه بر نتایج تاکتیکی و روانی چشمگیر برای نیروهای مسلح ایران؛ در حقیقت اولین عملیات بزرگ تهاجمی از یک سری عملیات‌های آفندی گسترده و موفق نیروهای مسلح ما در دومین سال جنگ به شمار می‌آید که به آزادی بخشی از مناطق اشغالی و انهدام سنگین نیروهای متجاوز منجر شد. لازم به ذکر است که اهمیت راهبردی حفظ آبادان سبب شد تا امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا در 14 آبان 1359، فرمان شکستن حصر آبادان را خطاب به نیروهای مسلح به شرح زیر صادر نماید: «من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود و [هشدار می‌دهم] به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی و ...که باید این حصر شکسته شود، مسامحه نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود. فکر این نباشد که ما اگر این‌ها هم آمدند، بیرونشان می‌کنیم. اگر این‌ها آمدند خسارات بر ما وارد می‌کنند ... نگذارند این‌ها بیایند در آبادان وارد بشوند». ازسوی دیگر ارتش عراق بخش عمده توان رزمی خود را برای سقوط دو شهرآبادان و خرمشهر به ‌کار گرفته بود. خرمشهر، آبادان، اهواز و همچنین سوسنگرد، نماد برد عراق در قماری بود که علیه انقلاب اسلامی ایران راه انداخته بود. ازاین‌رو تصرف این شهرها برای صدام، اهمیت شایانی داشت. سرهنگ ستاد سیدشهاب‌الدین جوادی در سال اول و دوم دفاع مقدس به‌ویژه در سِمت فرماندهی لشکر ۷۷ پیاده خراسان، نقش بسیار مؤثری در هدایت عملیات‌های منطقه جنوب داشت و لشکر 77 پیاده خراسان نیز یکی از منسجم‌ترین لشکرهای نیروی زمینی ارتش بود که در جریانات انقلاب دچار آسیب کمتری شده بود. یگان‌های این لشکر تا پایان اسفندماه 1359، به‌طور کامل به منطقه جنوب اعزام شدند و نام فرماندهی اروند از تاریخ نهم فروردین 1360، به فرماندهی منطقه عملیاتی لشکر 77 پیاده تبدیل شد و به دنبال آن فرماندهی نیروی زمینی ارتش، مسئولیت سازمانی و قانونی خود را به‌طور کامل بر عهده گرفت. به‌طورکلی بعد از انحلال فرماندهی اروند و شکل‌گیری جبهه‌های چهارگانه، منطقه عملیات خوزستان با دو لشکر زرهی و دو لشکر پیاده در حال مقابله با ارتش عراق بودند. این یگان‌ها شامل لشکر 21 پیاده حمزه (ع) در غرب شوش و دزفول به‌منظور جلوگیری از نفوذ نیروهای عراقی برای تصرف گلوگاه خوزستان، لشکر 16 زرهی قزوین در سوسنگرد و هویزه، لشکر 92 زرهی خوزستان در مقابل اهواز و لشکر 77 پیاده خراسان در شمال آبادان بودند که همراه نیروهای تکاوران دریایی، ژاندارمری، سپاه، مردمی و نیروهای محلی؛ مسئولیت‌های واگذاری برابر طرح ابوذر و دستورالعمل‌های نیروی زمینی ارتش و طرح حر لشکر 92 زرهی را اجرا می‌کردند (سروری و جاودانی، 1390: 99 و 100). یکی از ویژگی‌هایی بارز عملیات ثامن‌الائمه (ع)؛ وجود هماهنگی‌ در طراحی و اجرای عملیات بین یگان‌های عمده عمل‌کننده ارتش، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی بود. منطقه‌ای که برای انجام عملیات ثامن‌الائمه (ع) انتخاب شد، بخشی از خاک ایران بود که ارتش عراق توانسته بود با عبور از رودخانه کارون، در شرق آن مستقر شود. فضای منطقه سرپل، حدود 150 کیلومتر مربع و به‌ طور نسبی کوچک و ازاین‌رو برای اولین عملیات مشترک نیروهای مسلح ایران از شرایط لازم برخوردار بود (عسکری‌، 1392: 168). در پی انجام این عملیات، سرانجام حصر آبادان در18:20 روز ششم مهر 1360 توسط رزمندگان ایران اسلامی شکسته شد. با انجام این عملیات و اتکای مواضع پدافندی نیروهای خودی به رودخانه غیر قابل ‌عبور کارون، امکان صرفه‌جویی در نیرو و در نتیجه رهاشدن قسمت عمده لشکر 77 پیاده خراسان و سپاه از این منطقه و به‌کارگیری آن‌ها در مراحل بعدی آزادسازی مناطق اشغالی ‌به موجود آمد و محورهای اهواز- آبادان و ماهشهر- آبادان باز شد و در کنترل نیروهای خودی قرار ‌گرفت. ازسوی دیگر تصرف یا تخریب سریع پل‌های احداثی دشمن بر‌روی رودخانه کارون، امکان محاصره و انهدام و اسارت قسمت عمده‌ای از نیروهای متجاوز را میسر می‌ساخت. در پی شکست حصر آبادان، عملیات طریق‌القدس در هشتم آذر 1360 اجرا شد‌. از ابتکارات مهمی که در عملیات طریق‌القدس انجام شد و نتیجه‌ای مطلوب در پی داشت، اتحاد مقدس قوای نظامی کشور بود. پس از قطعی‌شدن اجرای عملیات طریق‌القدس، فرماندهان نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران، مأموریت اجرای عملیات طریق‌القدس را به قرارگاه مشترک کربلای 1 که هماهنگ‌کننده عملیات ارتش و سپاه بود، واگذار و سرهنگ مسعود منفرد نیاکی و غلام‌علی رشید را به فرماندهی این قرارگاه منصوب کردند. عملیات در 00:30 بامداد 8/9/1360 با عبور نیروهای پیاده یگان‌های پیاده سپاه و ارتش از میادین مین و مواضع دشمن، در چند محور به‌طور هم‌زمان آغاز شد. نقطه پایان عملیات طریق‌القدس، تلاش نیروهای خودی برای پاک‌سازی محدوده‌ای به وسعت هفتاد کیلومتر مربع بود که بین جنوب سابله و شمال رودخانه نیسان قرار داشت؛ لیکن قبل از شروع عملیات، قوای عراقی در 30/9/1360 در پوشش آتش شدید توپخانه از منطقه مزبور خارج شدند و انجام عملیات نیروهای خودی منتفی شد (پورداراب و کریمی‌، 1389: 134). نقش نیروی هوایی و هوانیروز ارتش در عملیات طریق‌القدس، بسیار مهم و تأثیرگذار بود. پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان مأموریت یافت از یگان‌های تحت امر قرارگاه کربلا پشتیبانی کند، پایگاه هوانیروز اصفهان نیز در فرودگاه اهواز مستقر شد و در احتیاط فرماندهی قرارگاه کربلا قرار گرفت. فعالیت نیروی هوایی ارتش نیز از هنگام طراحی مانور عملیات، آغاز شد و تا زمان شناسایی و درگیری‌ها، گسیل نیروها از شهرهای دورو نزدیک و سپس حمل مجروح و ترابری آنان به مناطق گوناگون کشور انجام گرفت. با اجرای عملیات طریق‌القدس (کربلای 1) که حضرت امام خمینی (ره) آن را فتح‌الفتوح نامیدند، 650 کیلومترمربع اراضی اشغالی دشت آزادگان از ارتش عراق بازپس گرفته شد. این عملیات، باعث تجزیه قوای دو سپاه سوم و چهارم ارتش عراق و پاشیدن شیرازه دفاعی نیروهای بعثی در مرکز خوزستان شد و زمینه‌های اجرای عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس را فراهم آورد. عمليات فتح‌المبين به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین عملیات نظامی تاریخ معاصر کشورمان، به‌عنوان نقطه‌ی عطفی در جنگ هشت‌ساله و دفاع مقدس مطرح است. این عملیات با شركت نيروهاي زميني و هوايي ارتش جمهوري اسلامي ايران، سپاه‌، بسيج و جهادگران پرتلاش در 9/1/1361 در منطقه عمومي دزفول و شوش (غرب كرخه) انجام شد و يكي از کوتاه‌ترین، موفق‌ترین، كم‌تلفات‌ترين و هماهنگ‌ترین عملياتي بود كه بيشترين ضربات را بر دشمن وارد آورد و او را وادار کرد كه قسمت عمده و حساسي از سرزمين ايران را ترك و راه را براي شکست‌های بعدي خود فراهم کند. این نبرد در چهار مرحله و طی هشت روز صورت پذیرفت و با کسب پیروزی‌های‌ قاطع و درخشان، ضمن رسیدن به ‌تمامی اهداف پیش‌بینی‌شده در طرح عملیاتی کربلای 2 توسط قرارگاه‌های چهارگانه، در روز نهم فروردین 1361خاتمه یافت. دشمن با این عملیات، از ساحل غربي رودخانه کرخه و ارتفاعات علي‌گره‌زد و شمال عين‌خوش تا دامنه غربي ارتفاعات تينه و حمرين عقب‌نشيني کرد و حدود 2200 کیلومترمربع از سرزمین‌های اشغالی آزاد شد. برابر گزارش نهایی قرارگاه کربلا در عملیات فتح‌المبین؛ حدود هفده تیپ پیاده، زرهی و مکانیزه با حدود 50000 نیرو با نیروهای خودی درگیر بودند. ارتش عراق در مراحل سوم و چهارم (سه روز پایانی عملیات)، موفق شد بخش عمده‌ایی از این نیروها را از منطقه خارج کند. آمار کشته‌ها و زخمی‌های دشمن، حدود 12500 نفر تخمین زده می‌شد. از تعداد 15450 اسیر دشمن در این عملیات؛ بیش از 45 نفر، افسر (ازجمله یک سرتیپ) و یازده نفر نیز غیر عراقی بودند (پورداراب و نبی کریمی، 1390، ج 20). طرح‌ریزی عملیات و آمادگی برای اجرای نبرد بیت‌المقدس بلافاصله با پایان موفقیت‌آمیز عملیات فتح‌المبین آغاز شد و یك ماه پس از خاتمه عملیات فتح المبین، به مرحله اجرا درآمد. منطقه عملیاتی بیت‌المقدس از شمال به کرخه‌نور، از غرب به هورالهویزه و شط‌العرب، از جنوب به اروندرود و از شرق به کارون محدود بود. عملیات در نیمه‌شب 10/2/1361 با اعلام رمز «یاعلی‌بن ابی‌طالب» آغاز شد و در 26 روز و طی چهار مرحله عملیات و تقدیم 5553 شهید، به 575 روز اشغال خرمشهر توسط ارتش بعث عراق پایان داد و به‌این‌ترتیب چهارمین عملیات بزرگ با حضور مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران و به تعبیر سرهنگ علی صیاد شیرازی ترکیب مقدس، با موفقیت به پایان رسید. نیروهای ایران در این عملیات، منطقه‌‌ای به وسعت ۵۳۸۰ کیلومترمربع را آزاد کردند؛ ۱۶۰۰۰ تَن از نیروهای عراقی را به هلاکت رساندند و یا مجروح ساختند؛ بیش از ۱۹۰۰۰ اسیر گرفتند؛ حدود ۵۵۰ تانک و نفربر، ۵۳ هواپیما، پنجاه خودرو، سه بالگرد و ... از تجهیزات دشمن را نابود کردند و حدود پنجاه تانک و نفربر، ۳۰۰ خودرو، سی قبضه توپ و ... را به غنیمت گرفتند. فتح خرمشهر، لحظه اوج دفاع مقدس بود. فتح خرمشهر فتح خاك نيست، فتح ارزش‌های اسلامي است... (دهقان، 1393: 274). پس از بيرون‌راندن دشمن متجاوز و بازپس‌گيري بخش عمده‌اي از ميهن اسلامي، تعقيب متجاوز به‌عنوان يك سياست راهبردي، در دستور كار قرار گرفت. در این راستا، عملیات رمضان از 22 تیرتا 7 مرداد ۱۳۶۱ طی پنج مرحله در محور شرق بصره به‌صورت گسترده با فرماندهی مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انجام شد. در خصوص اهداف عملیات رمضان، ازآنجایی‌که هدف مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس را عبور نیروهای خودی از مرز، پیشروی در خاک عراق و وصول به کرانه اروند در شرق بصره و هدف مرحله چهارم را اجرای پدافند در ساحل شرقی اروند تشکیل می‌داد؛ قرارگاه عملیاتی کربلا به جای اجرای مرحله سوم طرح کربلای ۳، تمرکز تلاش‌ها را متوجه بازپس‌گیری خرمشهر کرد و با توجه به وضعیت زمین، دشمن و نیروهای خودی تصمیم گرفت که تأمین هدف‌های مراحل سوم و چهارم طرح یادشده را به طرح عملیات جداگانه دیگری به نام طرح عملیاتی رمضان موکول کند. در عملیات رمضان، لشکرهای 16 زرهی قزوین و 92 زرهی اهواز همچنین یگان‌های زرهی لشکرهای 77 پیاده خراسان و 21 پیاده حمزه (ع) از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران حضور فعال داشتند. اگرچه نیروهای خودی در این عملیات موفق نشدند به اهداف تعیین‌شده دست یابند؛ لیکن به‌خوبی موفق شدند با تک و پاتک‌های پی‌درپی، ضربات مهلکی را به نیروها و ادوات زرهی دشمن وارد آورند و تعداد قابل‌توجهی از یگان‌های دشمن را از وضعیت عملیاتی خارج کنند. نیروهای خودی ازجمله تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی نیز متحمل خسارت و ضایعات کلی شدند (کریمی، 1392، ج 24: ). بازنگري نتايج حاصله از چند عمليات محدود در نيمه دوم 1362 و 1363 نشان‌دهنده اين واقعيت ناخوشايند است كه تلاش‌هاي انجام‌شده، تأثیر چنداني در سرنوشت جنگ نداشت و ادامه جنگ براي ما در سال‌هاي سوم و چهارم با بگومگوهاي سياسي، تشديد فشار و انزواي تحميلي به‌وسیلۀ بسياري از كشورهاي جهان با بن‌بست همراه شد‌؛ اما براي طرف مقابل با تجدید نظر ساختار كلي ارتش، يارگيري سياسي، كسب امكانات و افزايش توان رزمي كه تمامي ناشي از حمايت استكبار از عراق بود، به پايان رسيد. با اين وصف در اسفند 1362 با وجود اینکه فشارهاي سياسي و اقتصادي گسترده‌اي توسط حاميان صدام حسين در جهت آتش‌بس به ايران وارد می‌شد، نظر به نياز تحرك در ميدان نبرد،‌ راضي‌نمودن افكار عمومي و ارتقای سطح روحيه رزمندگان، تلاش براي انجام عمليات در مقياس وسيع آغاز و به عملیات‌های خیبر و بدر منتهی شد. عملیات خیبر، عملیات مشترک ارتش و سپاه بود. این عملیات با پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز ارتش و مشارکت نیروی زمینی ارتش در منطقه زید به‌عنوان تک پشتیبان و سپاه پاسداران در منطقه جزایر مجنون به‌عنوان تک اصلی، در سوم اسفند 1362 آغاز شد و پس از بیست روز درگیری سنگین و تصرف جزیره مجنون عراق توسط نیروهای ایرانی به پایان رسید. این عملیات، تلفات سنگینی برای دو طرف درگیر در برداشت. عملیات بدر، عملیات گسترده بعدی نیروهای مسلح ایران بود که در نوزدهم اسفند 1363 به مدت ده روز در منطقه هورالعظیم به فرماندهی سپاه و پشتیبانی ارتش جمهوری اسلامی ایران شامل لشکر 21 پیاده حمزه (ع)، لشکر 28 پیاده سنندج، لشکر 77 پیاده خراسان، لشکر 92 زرهی خوزستان(-) و تیپ 55 هوابرد شیراز و به‌کارگیری وسیع توپخانه نیروی زمینی، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش انجام گرفت. نیروهای ایرانی در پیشروی اولیه از جزایر مجنون عراق، موفق به گرفتن پاسگاه ترابه و تسخیر بخشی از بزرگراه بغداد‌- بصره شدند. بااین‌حال پاتک‌های سنگین نیروهای عراقی به همراه کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی ازسوی عراق، سبب عدم توفیق ایران در نگهداری مواضع متصرفی شد. در ادامه جنگ و در بررسي‌هاي همه‌جانبه‌ای كه به عمل آمد، منطقه عمومي فاو به دليل اهميت شهر و تأسيسات بندري آن، تسلط كامل بر اروندرود (آبراهي كه صدام به بهانه آزادي آن جنگ را شروع كرد)، تسلط بر شمال خليج فارس و ساير حساسیت‌های راهبردي منطقه؛ براي عمليات مناسب تشخيص داده‌ و دستور تهيه ‌طرح عملياتي جهت تصرف بندر فاو صادر شد و پس از تبادل افكار بين طراحان جنگ، در نهايت طرح اوليه عمليات والفجر 8 ازطرف قرارگاه خاتم‌الانبیا (ص)، تهيه و به قرارگاه‌هاي سه‌گانه كربلا، نجف و ظفر ابلاغ شد. نبرد والفجر 8 پس از ماه‌ها تفكر، تلاش و كسب آمادگي؛ در22:00 بیستم بهمن 1364 آغاز شد و پس از شش روز، قسمتي از جزيره فاو عراق به تصرف رزمندگان درآمد؛ اما دشمن در چندين مورد با استفاده از نيروهاي احتياط، اقدام پاتك‌هاي سنگين کرد تا در نهایت در 8 اردیبهشت 1365 براثر حمله نیروهای خودی، دشمن مجبور به قبول واقعيت‌هاي ميدان رزم شد و دست از مقاومت برداشت. بدین‌صورت اين نبرد به‌عنوان طولاني‌ترين عمليات، بعد از 78 روز با موفقيت به پايان رسيد. در این عملیات، از توان بالقوه و بالفعل ارتش جمهوري اسلامي ايران در طرح‌ریزی، اجرا و پشتيباني بهره‌برداری شد که یکی از عوامل بسیار مهم در موفقيت عملیات به شمار می‌آید. نیروهای ظفرمند زمینی، هوایی و دریایی ارتش در عملیات والفجر 8 در ابعاد نظامي اعم از شركت در طراحي، رهاكردن يگان‌هاي سپاه پاسداران از سایر مناطق درگیری برای شرکت در این عملیات، شركت در طرح پوشش و فريب تاكتيكي (يك طرح پوشش و فريب در منطقه عمومي فكه با استفاده از لشكرهاي 16زرهی قزوین، 81 زرهی کرمانشاه، 92 زرهي اهواز و تيپ 55 هوابرد تهيه و اجرا شد)، شركت به‌عنوان تك پشتيباني و تقویت تک اصلی با اعزام لشكر 30 پیاده گرگان تقویت‌شده به منطقه فاو شرکت مهم و تأثیرگذار داشتند (اسدی، 1389: 75). همچنین ارتش به‌وسیله آتش‌های پشتیبانی هوایی و هوانيروز، یگان‌های توپخانه صحرايي، یگان‌های توپخانه پدافند هوايي و اقداماتی نظیر خدمات مهندسی، مخابرات، حمل آماد هوایی، دریایی و تخلیه مجروح و سایر خدمات؛ پشتیبانی لازم را از عملیات مذکور به عمل آورد. عملیات بعدی ارتش ایران، عمليات قادر بود. این عملیات در حالي طرح‌ریزی و اجرا شد كه ركود قابل ‌توجهی، جبهه‌های جنگ را فرا گرفته بود. براساس تصميمات فرماندهي كل نيروهاي ايراني و براي حفظ روحیه‌ی آفندي و جلوگيري از رخوت و سستي یگان‌ها و پرهيز از تلفات سنگين ناشي از عملیات‌هایی كه به دلايلي به موفقيت منجر نمی‌شد، هر يگان تا رده تيپ، موظف شد با اجراي گشتی‌های رزمي به استعداد گردان و گروهان، آرامش را از دشمن سلب و راهي براي انجام يك عمليات گسترده را باز کند. در اين ميان تنها منطقه‌ای كه می‌توانست با توجه به وضعيت آب‌وهوا، عمليات گسترده‌ای در آن انجام گيرد؛ منطقه عملياتي شمال غرب بود كه در صورت موفقيت، اهداف قابل‌توجهی را تأمين می‌کرد. مهم‌ترین اين اهداف عبارت بودند از: تصرف ارتفاعات مهم و حساس منطقه، قطع خطوط ارتباطي و تداركاتي ضدانقلاب داخلي، انهدام نيروهاي دشمن، آزادسازی بخشي از خاك عراق، نزديك‌شدن به راه‌های اصلي و خطوط مواصلاتي دشمن، افزايش كارايي یگان‌های خودي، ضعيف‌شدن دشمن و به دست‌آوردن ابتكار عمل. مرحله اول عمليات قادر از تاريخ 23 تیرماه 1364 با هدايت و كنترل قرارگاه مشترك ارتش و سپاه قرارگاه حمزه سيدالشهدا (ع) و فرماندهي سرهنگ علي صياد شيرازي در منطقه عمومي سيدكان با رمز «يا صاحب‌الزمان (عج)» آغاز شد و بعد از هفده روز تلاش، در هشتم مرداد 1364 به پايان رسيد. این نبرد، به تصرف اهداف تعیین‌شده رسید؛ اما به دلیل پاتک‌های سنگین دشمن تثبیت نشد. سرلشکر حسن آب‌شناسان فرمانده لشكر 23 نیروهای مخصوص، در اين عمليات به شهادت رسيد. همچنین 1250 نفر از نیروهای دشمن نیز كشته و زخمي شدند و بیست نفر به اسارت درآمدند. انهدام تجهیزات نظامی و تعدای از پایگاه‌های دشمن، از دیگر نتایج این عملیات بود (جعفری، 1389: 110). در ادامه روند جنگ، عمليات كربلای 4 با يك طرح‌ریزی گسترده در سوم دی 1365 با فرماندهی سپاه پاسداران انجام گرفت که دشمن‌ با بهره‌گيري‌ از اطلاعات‌ ماهواره‌اي‌ آمريكا و با پي‌بردن به طرح و معابر اصلي حمله نيروهاي خودي و با اجراي انبوه آتش، عمليات را مختل کرد و آن را به شکست کشاند. عدم موفقيت عمليات كربلای 4، موجب شد که فرماندهي عالي جنگ براي انجام يك عمليات دیگر مصمم شوند. بر همین اساس، عمليات كربلای 5 طراحي شد و با پشتیبانی ارتش در 19/10/1365، توسط یگان‌های سپاه به اجرا درآمد. چهار قرارگاه نجف،‌ قدس، كربلا و نوح در این عملیات با بيش از ده لشكر به مواضع عراق يورش بردند تا منطقه شلمچه را تصرف کنند و امكان پيشروي به‌سمت بصره را فراهم آورند. در اين عمليات، نقش ویژه‌ای به عهده نيروهاي هوایي و زمینی ارتش و یگان‌های پشتیبانی‌کننده از نيروي زميني ارتش گذاشته شد که می‌توان به اجرای عملیات کربلای 6 جهت فریب دشمن و تسهیل عملیات کربلای 5، اختصاص گردان‌های توپخانه، پشتیبانی‌های نیروی هوایی، هوانیروز، پدافند هوایی و مهندسی رزمی و سایر پشتیبانی‌های آمادی ارتش اشاره کرد. سازمان و استعداد یگان‌های شرکت‌کننده ارتش در این عملیات شامل، اختصاص نُه گردان توپخانه صحرایی، دو گردان توپخانه پدافند هوایی 23 میلی‌متری، یک یگان مهندسی پل، دو گروه رزمی هوانیروز برای پشتیبانی از عملیات و پشتیبانی نیروی هوایی ارتش بود (کارنامه لشکر 92 زرهی، ج 1، فصل 9، عملیات آفندی لشکر، کربلای 5). شرایط سیاسی ایران در اواخر تیر 1367 که منجر به صدور اعلامیه‌ی امام (ره) جهت پذیرش قطعنامه 598 شد، این باور را در عراقی‌ها تقویت کرده بود که اوضاع به نفع نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است و بر این اساس، اقدامات نظامی گسترده‌ای در منطقه جنوب، غرب و شمال غرب صورت پذیرفت که علی‌رغم موفقیت‌های ابتدایی، عراقی‌ها در هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانستد به کوچک‌ترین اهداف خود برسند لذا با آمادگی، قبلی قصر شیرین را تخلیه کردند و با حمایت هوایی و توپخانه، عناصر فریب‌خورده منافقین را دریک ستون شبه‌نظامی، به‌طرف داخل ایران گسیل داشتند. سرعت این ستون خودرویی موجب شد که با بهره‌گیری از اوضاع نامناسب در شهرهای مرزی که به‌واسطۀ حملات عراق به وجود آمده بود؛ به سرپل ذهاب، کرند و اسلام‌آباد برسند و از آنجا به‌طرف کرمانشاه حرکت کنند. نیروهای ایرانی در این حال با استفاده از موقعیت مناسب، عملیات مرصاد را با رمز «یا صاحب‌الزمان (عج)» ادرکنی طراحی کردند. درحالی‌که نیروهای هوایی همراه با بالگردهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، ستون خودرویی را در جاده اسلام‌آباد به‌طرف کرمانشاه در تنگه چهارزبر (مرصاد)، مورد هجوم قرار داده و تقریباً نابود ساخته بودند، یگان‌های زمینی نیز ازطرف ایلام و کرمانشاه، ستون خودرویی منافقین را محاصره و هزاران نفر از این عناصر خودفروخته را کشته و زخمی کردند و تعداد قابل‌توجهی را نیز به اسارت درآوردند. بدین ترتیب آخرین عملیات گسترده نظامی در هشت سال دفاع مقدس، با پیروزی کامل رزمندگان ایرانی پایان یافت و زمینه برای اجرای آتش‌بس مهیا شد. خلبانان هوانیروز در این عملیات، با به‌کارگیری 45 فروند بالگرد و 425 ساعت پرواز، 388 مجروح را تخلیه و 3360 رزمنده را به منطقه، هلی‌برن کردند (جعفری، 1389: 110). در پایان قابل ‌ذکر است که ارتش جمهوری اسلامی ایران با حضور در بیش از 418 عملیات آفندی و پدافندی ازجمله نبردهای مهمی چون تثبیت تهاجم دشمن، ثامن‌الائمه (ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، بدر و خیبر، رمضان، والفجر 8، قادر‌، حاج‌عمران، پدافندی شرهانی، پدافندی میمک، مرصاد و ... نقش اساسی و تعیین‌کننده و بی‌بدیلی در هشت سال دفاع مقدس داشت که ذکر تمام این نبردها، در این مقاله امکان‌پذیر نیست. مجموعه نیروهای ارتش در این عملیات‌ها درکنار رزمندگان سپاه، نیروهای مردمی، جهاد سازندگی و سایر رزمندگان؛ نقش ارزنده خود را ايفا كردند و آنچه بيان شد، تنها يك گزارش مجمل و بسیار خلاصه از رويدادهاي مهم ميداني دفاع مقدس بود و نه شرح و تفسير آن. اکنون‌ پس از گذشت سال‌ها از دفاع مقدس و با مرور آن‌، می‌توان دریافت که بسیاری از این عملیات‌ها، مدل موفقي از عملیات‌های نظامی محسوب می‌شوند كه بر مبناي فرماندهي منسجم، نيروي انساني آموزش‌دیده، تجهيزات مناسب و در نهایت اراده براي كسب موفقيت، پايه‌ريزي و به مورداجرا گذاشته شد. امروز در بازخوانی دفاع مقدس، به‌وضوح مي‌توان ادعا كرد كه دلايل موفقيت در عمليات‌هايي همچون بیت‌المقدس و ... اين بوده است كه حداقل از بخشي از عوامل برتري‌ساز بهره برده شد. این عملیات‌ها، نتایج و دستاوردهای فراوانی در هر دو بُعد سیاسی و نظامی، به ارمغان آورد تا برای همیشه در تاریخ ماندگار بماند. **مآخذ:** معاونت عملیات نیروی هوایی ارتش، 1359؛ اسناد دفاع مقدس؛ دستور رزمی البرز، نیروی هوایی ارتش، تیر 1359؛ اسناد و مدارک، مرکز اسناد دفاع مقدس نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۷، ۱۳۷۸؛ سامرائی، وفیق، ویرانی‌های دروازه شرقی، مترجم: عدنان قارونی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات جنگ‌، ۱۳۹۱؛ پورداراب، سعید و نبی کریمی، ج 20، تقویم تاریخ دفاع مقدس؛ فتح بزرگ، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹0؛ پناهی، احمد، لطف‌علي‌خان از شاهی تا تباهی، 1391؛ پورداراب، سعید و نبی کریمی، تقویم تاریخ دفاع مقدس، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1391؛ تهامی، سیدمجتبی، خاطرات ارائه‌شده به همایش سوسنگرد در دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، 1392؛ جعفری جبلی، علی و مجید منصوری، زمینه‌های بروز جنگ، ج 1، تهران: دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات نیروی دریایی ارتش، 1389؛ حسینی، یعقوب و محمد جوادی‌پور، هشت سال دفاع مقدس؛ ج 3، اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی- ارتش جمهوری اسلامی ایران، 1373؛ جوادی‌پور، محمد و دیگران‌، نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس، ج 1، تهران: سازمان عقیدتی- سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران ، 1372؛ جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار، چ 50، تهران: نشر سوره سبز، 1398؛ حسینی، سید یعقوب، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، تهران: نشر هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، 1387؛ دهقان، احمد‌، ناگفته‌های جنگ؛ خاطرات سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، چ 17، تهران: نشر سوره مهر، 1393؛ رستمي، محمود‌، فرهنگ واژه‌هاي نظامي، تهران: نشر ایران سبز، 1386؛ سروری، روح‌الله و ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن‌الائمه (ع)، تهران: سازمان عقیدتی- سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران ‌؛ کریمی، نبی‌، ج 24، تقویم تاریخ دفاع مقدس، و هنوز رمضان، تهران: مرکز اسناد سازمان انقلاب اسلامی، 1392؛ کارنامه لشکر 92 زرهی، ج 1؛ ذاکری، سیدتراب، بی‌تا؛ لطف‌الله‌زادگان، علی‌رضا، عبور از مرز، تعقیب متجاوز با عملیات رمضان، 1تیر تا 31 مرداد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیات جنگ، 1381؛ معین وزیری، نصرت‌الله، بی‌تا؛ حبیبی، ابوالقاسم، نبرد برای آزادی خرمشهر، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ، 1398‌؛ مصاحبه با سرهنگ ستاد سید شهاب‌الدین جوادی فرمانده لشکر 77 پیروز خراسان در عملیات ثامن‌الائمه (ع)؛ مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صحیفه‌ امام، ج 7، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1379؛ موسوی قوی‌دل، سیدعلی‌اکبر‌، سال اول جنگ تحمیلی، تهران: هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، 1393؛ استر‌آبادي، ميرزا مهدي‌خان‌، تاریخ جهان‌گشاي نادري، تهران: نشر سروش، 1370؛ اسدی، هیبت‌الله، ارتش در فاو، تهران: ایرا‌ن سبز، 1389؛ جهان‌فر، رضا، بایندر، زندگی و عملکرد شهید دریابان غلام‌علی بایندر، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نیروی دریایی ارتش، 1397.